



در این مرحله به ابتکار فرماندهان ارتش، یک‌تاکر بنزین به رودخانه ریخته شد تا در زمان معین با به آتش کشیدن آن مانع شای عراقی‌ها به آن سمت مارذ شود؛ ولی با اصابت یکی از گلوله‌های آتش‌از، قبل از زمان مقرر، رودخانه تبدیل به آتش شد؛ عراقی‌ها متوجه این ترفند ما شدند و دیگر به رودخانه وارد نشدند.

عملیات ثامن‌الامنه با موفقیت به پایان رسید و حصر آبادان شکسته شد. پیروزی نیروهای ایرانی در این عملیات تمام آرزوها و نقشه‌های عراقی‌ها را برای تصرف آبادان نقش بر آب کرد و خواستهٔ امام



مینی بر شکستن حصر آبادان که الحق خواسته تمام ایرانی‌ها بود با دست نیروهای توانمند ایران اسلامی برآورده شد و دل امام از انجام این عملیات حساب شده و دقیق، که با تلفات بسیار اندک همراه بود شاد شد. من پس از پایان عملیات به دقت‌نظر طراحان عملیات آفرین گفتم و به آن‌ها حق دادم که چرا آن قدر وسوسا برای طرح عملیات ثامن‌الامنه(ع) به خرج دادند.

مسلمانا این پیروزی کلید عملیات‌های بعدی بود و اگر خدای نکرده عملیات ثامن‌الامنه(ع) به شکست می‌انجامید؛ دیگر انگیزه و امیدی برای نیروهای ایرانی نمی‌ماند که دست به عملیات بعدی بزنند و خوشبختانه به رغم موارد دیگر، تمام عملیات ما از بسیجی‌ها به عقب نشین‌داری شده و فیلم‌برداری خودش هم بی‌تأثیر بود و مسئولان امر با پیش قسمت‌هایی از فیلم این عملیات مینی بر حمله ایرانی‌ها و شکست عراقی‌ها به تمام جهانبان نشان دادند که عدم عقب‌نشینی نکرده است، بلکه ما با قدرت رزمی خود او را از این قسمت کشور اسلامی‌مان بیرون کرده‌ایم»

پس از پایان عملیات ثامن‌الامنه(ع) و شکست حصر آبادان، فرماندهان نظامی در تلگرافی خبر اجرای دستور امام خمینی(ره) را خدمت ایشان اعلام کردند. امام خمینی(ره) نیز پس از دریافت تلگرام فرماندهان درخصوص شکستن حصر آبادان با وعده پیروزی نهایی پاسخ دادند که «ایسن جانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپهبان نیرومند تبریک می‌گویم و امید است ایسن سرفرازی‌ها را که برای اسلام و میهن فراهم می‌کنند، منظور نظر مبارک ولی‌الله اعظم بقیاله (ارواحا له الفدا) باشد و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین میهنمان است، ملت شریف ایران به زودی مشاهده کند.»

منابع:
– فصلنامه مطالعات جنگ.
– گفت‌وگوی امیر کهتری با روابط عمومی ارتش.
– گفت‌ووی امیر کهتری با خبرگزاری برنا.
– کتاب ویرانی دروازه‌های شرقی (وفیق السامری)
– نثر نظامی جنگ تحمیلی.
– تقویم تاریخ دفاع مقدس.
– روزشمار جنگ ایران و عراق.
– باغ سوخته (خاطرات سرهنگ قمری وفا)

یک شهید، یک خاطره

و او خدا را خواست

مریم عرفانیان



نزدیک اذان صبح بود که از خواب بیدار شدم. برادر انفرادی طبق معمول زودتر از همه مشغول مناجات بود. آرام از سنگر بیرون رفتم تا وضو بگیرم. وقتی داخل سنگر برگشتم دیدم او نماز را تمام کرده و به فکر فرورفته است. نماز را که خواندم، پرسیدم: «چی‌شده؟ به‌چی فکر می‌کنی؟» گفت: «برادرم حسین را در خواب دیدم، دست در گردن هم انداخته وارد باغی شدیم. کمی جلو رفتم، وسط باغ دیواری کشیده شده بود. سؤال کردم: این طرف دیوار باغ کیست؟ گفت: این باغ مال من است باغ آن طرفی مال تو.» برادر، انفرادی ادامه داد: «ها این خواب دیگر برایم یقین است که خیلی زود شهید می‌شوم.»

من و دو سه نفر از بچه‌ها که این جریان را شنیدیم، تصمیم گرفتیم مراقبتش باشیم و تا حد امکان نگذاریم از سنگر خارج شود. با دلپره مواظب برادر انفرادی بودم، یک نفر آمد و گفت: «مسئول محور را خواست‌اند که جلسه بگذرانند برادر انفرادی برخاست تا برود.»

گفتم: «حاجی شما نو.»

گفت: «طول نمی‌کش، برمی‌گردم.»

۱۰ دقیقه از رفتن برادر انفرادی نگذشته بود که صدای هواپیمای دشمن بلند شد. بعد از چند لحظه بی‌سی‌سی‌ام را دیدم که می‌دود و گریه می‌کند؛ پرسیدم: «چی‌شده؟»

گفت: «حاج حسن شهید شد.»

ما او را می‌خواستیم و او خدا را... بالاخره با شهادت به معبودش رسید.

بر اساس خاطره‌ای از شهید حسین انفرادی حسن آباد

راوی: حسین‌علی فتوحی، هم‌رزم شهید

شکست مواجه شد؛ اگر دشمن در این عملیات موفق می‌شد شرایط جنگ در آنروز به نفع دشمن تغییر می‌کرد، خوشبختانه رزمندگان اسلام در این عملیات نشان دادند که قدرت نظامی ایران در چه حد و اندازه‌ای است.

امیر کهتری که اکنون دارای بیماری شدید است و توان گفت‌وگوی رسانه‌ای و مطبوعاتی را ندارد پیش از این، در یکی از گفت‌وگوهایش با خبرگزاری‌ها با بیان خاطره‌ای از لحظات اولیه اعزام به آسپدان گفت: پس از ابلاغ و حرکت به سوی آبادان در مسیر با بی‌سیم به من دستور دادند که رئیس‌جمهوری وقت گفته است به جای دیگری جز آبادان بروم، مانده بودم چه کنم، گردان را به همراه معاونم به سوی آبادان روانه کردم و خودم به قرارگاهی که همان نزدیکی بود رفتم.

وی افزود: رهبر معظم انقلاب که در آن مقر حضور داشتند از من سؤال کردند و من دستور رفتم به آبادان را اطلاع دادم، ایشان پرسیدند وضعیتتان چطور است؟ گفتمم همه چیز خوب

است، سپس ایشان مقداری پول برای هزینه راه به من دادند و گفتند شما به آبادان بروید و ایشان مرا روانه آبادان کردند.

داستانی متفاوت از سربازان امام خمینی(ع)
گاهی شنیدن و مطالعه داستان‌گونه جزئیات یک عملیات به‌طریق روایت گونه، جذابیت‌هایی دارد که اصل و کلیات را به حاشیه می‌برد و من(نگارنده) گرچه چندی پیش بخشی از روایت «سروان اسماعیل زارعیان» را در ماجراهای یادگان دژ در یادداشتی عنوان کرده بودم؛ اما بازگویی مجدد آن به‌طور کامل در این محال از زبان «سرهنگ قمری وفا» در کتاب «باغ سوخته» و در بخش «عملیات ثامن‌الامنه(ع)» حالات و شیرینی و قند مکرر است. «حصرآبادان باید می‌شکست»: نیروهای دژ بعد از حضور در «دب حردان» باید خودشان را



به منطقه عملیاتی می‌رسادند. مأموریت، حرکت از شرق میدان تیر و شکستن خط دفاعی دشمن و حرکت به سمت خرمشهر با رمز «حصر من الله و فتح قریب» بود. تیپ قوچان و ستاد فرماندهی لشکر ۷۷ یگان اصلی بودند؛ اما مأموریت گردان دژ بسیار تعیین‌کننده بود و بازهم بچه‌ها نیاز به روحیه داشتند و باز هم ستوان اسماعیل زارعیان حاضر شد و با بچه‌ها شروع به صحبت کرد: «بچه‌ها ما همه سرباز اسلام و ایران و امام خمینی هستیم. امام فرموده حصر آبادان باید شکسته شود. ما باید نه تنها حصر آبادان، بلکه کمر نیروهای متجاوز عراقی را هم بشکنیم. ما مردان بسا غیرت این سرزمین هستیم و باید کاری کنیم که عراق بعد از این به فکر تجاوز به ایران نباشد.»

قمری در «باغ سوخته» می‌گوید: نیروها با شنیدن صحبت‌های زارعیان صلوات فرستادند؛ این تجمع دل از حمله‌ما در آن زمان محاله با نیروهای و جلسه رزمی، که مثل یک جلسه عروسی و شادی بود، منتها بدون موسیقی. البته موسیقی متن این نشست صدای گلوله‌های بود که دقایقی بعد فضای منطقه را پر کرد. من که در تمام مدت بچه‌ها را تماشا می‌کردم در دل گفتم: خدایا! ما ایرانی‌ها چه جور آدم‌هایی هستیم که این همه به وطن علاقه داریم. اگر محبت از تاریخ و حملات نادر شاه شود می‌گوییم این‌ها فقط در کتاب‌ها نوشته شده؛ ولی امروز در این لحظات همه نیروهای حاضر در کنار ما از بسیجی گرفته تا سپاهی و ارتشی هر کدام یک قهرمان هستند. این‌ها در لحظات باقی‌مانده تا جنگ خونین با چنان روحیه‌ای عمل می‌کنند که انگار می‌خواهند به عروسی برویم؛ و اصلاً نگران جانشان نیستند. این واقعا همان ارزشی است که در دل ایرانی‌ها و قصه‌هایشان نهفته است و زنده باد فردوسی که این بیت را گفت: همه سسر به سر تن به کشتن دهیم؛ از آن به که کشور به دشمن دهیم.

قمری در ادامه می‌افزاید: به نظرم صدام فکر همه امور نظامی را کرده بود، جز حس وطن‌پرستی ایرانی‌ها را. آن روز حس وطن‌دوستی در نیروهای ما جلوه کرده بود و همه می‌خواستیم به جنگ متجاوزان برویم؛ لازم دانستم برای آشنایی بیشتر با نیروهای لشکر ۷۷ که در اختیار یگان ما بودند، با آنان صحبتی داشته باشم. به همین خاطر به جمع

قمری در ادامه می‌افزاید: به نظرم صدام فکر همه امور نظامی را کرده بود، جز حس وطن‌پرستی ایرانی‌ها را. آن روز حس وطن‌دوستی در نیروهای ما جلوه کرده بود و همه می‌خواستیم به جنگ متجاوزان برویم؛ لازم دانستم برای آشنایی بیشتر با نیروهای لشکر ۷۷ که در اختیار یگان ما بودند، با آنان صحبتی داشته باشم. به همین خاطر به جمع قمری در ادامه می‌افزاید: به نظرم صدام فکر همه امور نظامی را کرده بود، جز حس وطن‌پرستی ایرانی‌ها را. آن روز حس وطن‌دوستی در نیروهای ما جلوه کرده بود و همه می‌خواستیم به جنگ متجاوزان برویم؛ لازم دانستم برای آشنایی بیشتر با نیروهای لشکر ۷۷ که در اختیار یگان ما بودند، با آنان صحبتی داشته باشم. به همین خاطر به جمع

ساعت ۱۲:۳۰ بامداد دستور حرکت صادر شد و بلافاصله حرکت نیروها آغاز شد. نیروها با رعایت اصول ایمنی و استستار و اصل غافلگیری، بدون

نتایج عملیات ثامن‌الامنه

در این عملیات، سلحشوران جبهه اسلام به نتایج مهمی دست یافتند، از جمله:
– ساحل شرقی رودخانه کارون تصرف و تأمین شد.
– آبادان از محاصره یک ساله خارج شد.
– بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده، آزاد گردید.
– بیش از سه هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۱۶۵۶ نفر نیز به اسارت در آمدند.
– تعداد ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه انواع خودرو دشمن منهدم گردید و تعداد سه فروند هواپیما و یک فروند بالگرد عراق نیز سرنوگن شدند.
– همچنین ۱۰۰ دستگاه تانک، ۶۰ دستگاه نفربر، سه دستگاه لورد و ۱۵۰ دستگاه خودرو به غنیمت گرفته شد.

– صدام پس از این شکست ۷ تن از فرماندهان خود را تیرباران کرد.
– با توجه به نقش شجاعانه لشکر ۷۷ پیاده با تصویب شورای عالی دفاع در تاریخ یازدهم مهر ۱۳۶۰، به لشکر پیروز خراسان تغییر نام داد.

عملیات تیپ ۸ مکانیزه در محور دارخوین سبب

عملیاتی برای ما می‌توانیم

عزیزالله محمدی (امدادجو)

پیامدهای شکست محاصره آبادان

الف – پیامدهای داخلی؛

– با انجام موفقیت‌آمیز اولین عملیات وسیع ایران در جبهه‌ها، روحیه نیروهای رزمنده تقویت و توانمندانه‌تر از پیش به نبرد با دشمن پرداختند.
– از نظر سیاسی وضعیت سیاسی کشور منسجم‌تر شد و کمتر از یک هفته بعد از این عملیات، مردم با شرکت در سومین انتخابات ریاست جمهوری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به ریاست جمهوری برگزیدند، که این امر منجر به موفقیت بیشتر در سیاست‌های خارجی نظام نیز گردید.
– با تثبیت دولت اسلامی و وحدت نظر مسئولین نظام، موضع‌گیری‌های قاطعانه و به موقعی در قبال مسائل خارجی انجام گرفت.



ب: پیامدهای خارجی؛

– مهم‌ترین پیامد خارجی این عملیات تشکیل شورای همکاری خلیج فارس توسط کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به منظور جلوگیری از گسترش و نفوذ انقلاب اسلامی و یاری رساندن به رژیم متجاوز عراق بود، همچنین تخرکات نظامی آمریکا در خلیج فارس به منظور اعمال فشار بر ایران و حمایت از کشورهای منطقه بیشتر شد.
– آمریکا با اعزام ناوگان نظامی خود در غرب آسیا و آب‌های دریای عمان، مانورهایی انجام داد و تهاجم تبلیغی گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کرد و با نشر اکاذیب و شایعات، وحشت‌پی‌مورد رژیم‌های منطقه را از ایران بیشتر کرد.

روایت ناجی آبادان

امیر سرتیپ جنابز منوچهر کهتری که لقب ناجی آبادان را گرفته است در آن دوران فرمانده جویانی بود که در روزهای سخت حصر آبادان یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌ها را آفرید. وی برای مردم آبادان به اندازهای ارزشمند است که به احترام او نام فرزندانشان را «کهتری» گذاشته و «بهمن شیر» را «کهتری شیر» نیز می‌گویند.

رهبر معظم انقلاب در وصف ایسن فرمانده ارزشمند می‌فرماید: «در ایسن ماجرای مهم و تعیین‌کننده یک گردان از ارتش نقش بسیار اساسی داشت و فرمانده آن به نام سرهنگ کهتری همان روزهای خطر مقاومت شجاعانه و دفاکارانه خیلی معروف شد.»

نام سرهنگ کهتری و نیروهای گردان ۱۵۲ قوچان چنان وحشتی در دل دشمن یعنی انداخته بود که صدام برای سر فرمانده گردان جایزه تعیین کرد.
امیر سرتیپ کهتری در یکی از مصاحبه‌هایش با بیان اینکه عملیات پیروزمندانه حضور آبادان با مدیریت و تدبیر امام(ره) و فرماندهی بی‌تأثیر مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) اتفاق افتاد، افزود: زمانی که حضرت امام(ره) دستور شکست حصر آبادان را به جبهه‌های جنگ صادر کرد، تنها مکانی که در منطقه حاشیه بهمنشیر مستقر بود لشکر ۷۷ خراسان و چند گردان زرهی ارتش وارد میدان دفاع از حریم کشور شدند، آنچنان رزمندگان لشگر ۷۷ در دشمن تاختند تا کلام امام(ره) که همان شکست حصر آبادان بود محقق شد؛ نفس قدوسی حضرت امام(ره) همانند قدرت تازه در گه‌های رزمندگان بود تا علاوه‌بر قوت نظامی، با داشتن قدرت معنوی توانستند دشمنی را که با تمام تجهیزات وارد منطقه بهمنشیر شده بود را شکست داده و با منطقه به عقب برانند؛ حصر آبادان یک عملیات ویژه‌ای بود که با شکست دشمن در این عملیات بسیاری از طرح‌های عملیاتی آنها با

– عملیات ثامن‌الامنه در حقیقت نتیجه اقدام یکساله ایران در این منطقه بود. در طول سال قبل از آن، یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن استقرار در مواضع پدافندی از بهمنشیر تا حوالی دارخوین، بارها با حمله به مواضع دشمن در طول این خطوط توانستند ضمن حفظ روحیه آفندی، نقاط ضعف دشمن را بررسی و بر اساس آن طرح عملیاتی ثامن‌الامنه را ارائه نمایند و با بهترین حالت ممکن به نتیجه برسانند.

عملیات

عملیات در ساعت یک بامداد روز پنجم مهر ۱۳۶۰ آغاز شد. قوای ایران در ساعات نخست عملیات، با تهاجم به مواضع دشمن و در هم شکستن مقاومت نیروهای آنان، خاک‌ریزهایی اول دشمنان را تصرف و تأمین کردند. مقاومت اولیه نیروهای بعنی در برخی از محورها و به ویژه تداوم آن در منطقه پل حفار، نشان‌دهنده هوشیاری نسبی دشمن بود. بنابر گزارش اسیران عراقی، اسارت یکی از نیروهای خودی در منطقه عملیاتی تیپ ۸ مکانیزه در محور دارخوین سبب

عملیاتی برای ما می‌توانیم

عزیزالله محمدی (امدادجو)

هوشیاری دشمن شده بود، ولی شناخت نادرست فرماندهان نظامی عراق نسبت به توان نیروهای خودی که بر مبنای برآوردهای عملیات‌های تاکام پیشین ایجاد شده بود، سبب شد بر برابر حمله نیروهای خودی واکنش مناسبی نشان ندهند.
– با روشن شدن هوا و ادامه پیشروی نیروهای خودی از محور شمالی به سمت پل مارذ و تهدید عقبه نیروهای دشمن، نخستین ضربه شکنده بر نیروهای عراقی وارد آمد.
– باین حال، نیروهای دشمن در منطقه پل حفار همچنان مقاومت می‌کردند. گسترده‌گی محورها تهاجم و عقب‌ماندگی دشمن سبب شد تا نیروهای خودی با به دست گرفتن ابتکار عمل و ادامه پیشروی در محورها، دشمن را تحت فشار قرار دهند.
از س‌وی دیگر، در پی تغییر وضعیت میدان نبرد،



پایان موفقیت‌آمیز نسبت به سایر عملیات‌های پیش از زمان خود دارای حوادث خاص و بکری بود که در بعضی منابع روایی این‌گونه روایت شده است:
– سرهنگ ناصر نژاد آذر، از خلبانان هواپیروز نقل می‌کند که قبل از عملیات ثامن‌الامنه(ع) جهت شناسایی روی نیروهای عراقی در غرب کارون پرواز می‌کردم چون زمینه مناسب بود همکاران دیگر را صدا زدم و آتش انبوهی از انواع موشک‌ها را روی نیروهای دشمن ریخته و تلفات و ضایعاتی سنگین را وارد کردیم، در موقعیتی خاص احساس کردم تعداد قابل توجهی عراقی داخل یک سنگ‌سنگ رویاز پناه گرفته‌اند؛ فرود آمدم و با یک اسلحه بوزی به طرف آنها رفتم؛ از ترس اسلحه را زمین گذاشته و دست‌ها را بالا بردند، آنها را سوار بالگرد نموده و به طرف شرق کارون پرواز کردم.

یکی از زیباترین صحنه‌های بعد از عملیات که در نوع خود بی‌نظیر است رژه اسرای عراقی از مقابل امیر سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش بود که با احترامات نظامی به اجرا درآمد.

– پس از مراسم رژه، سرهنگ جوادی فرمانده وقت لشکر ۷۷ در عراق‌ها گرفته شد. به مدت ۲۰ دقیقه به زبان عربی سخنرانی کرد. محتوی کلی سخنرانی که به شکل حماسی بیان شده است، تشریح وضعیت نیروهای اسلامی و ابراز امیدواری برای وحدت مسلمانان جهت مبارزه و جنگ با رژیم اشغالگر قدس بود.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

نقش بر آب شده، ضربه سیاسی و روانی بزرگی به صدام و ارتش عراق وارد می‌شود.
۵- تصرف یا تخریب سریع پل‌های احداثی دشمن روی رودخانه کارون امکان محاصره، انهدام و اسارت قسمت عمده‌ای از نیروهای متجاوز را میسر می‌ساخت. لشکر ۷۷ خراسان با توسل به نام اسام رضاع(ع) و با رمز «حصر من الله و فتح قریب» عملیات در شرق کارون برای شکستن محاصره آبادان را در طی پنج روز به همراهی (تیپ ۳۷ زرهی، گروه رزمی ۲۹۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی، گردان ۲۵۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی، گردان ۱۰۷ ژاندارمری، گروه‌های توپخانه، یگان‌های مهندسی رزمی، هواپیروز و نیروی هوایی در پشتیبانی عمومی و…) انجام داد و در دهم مهر توانست با سه تیپ در خط ۱ درمنطقه ذوالفقاریه، تیپ ۲ درمنطقه فیاضیه تلاش اصلی، تیپ ۳ دارخوین تک نموده، به ترتیب خط سیز و هدف‌های الف و ب را تأمین و تصرف نماید.

موقعیت جغرافیایی عملیات
منطقه عملیات ثامن‌الامنه (علیه‌السلام) در

ثامن‌الائمه(ع) عملیاتی برای ما می‌توانیم

عزیزالله محمدی (امدادجو)

شرق رودخانه کارون و در حد فاصل شمال شهر آبادان و جنوب منطقه دارخوین قرار داشت و شامل سر پل دشمن به وسعت ۱۵۰ تا ۱۸۰ کیلومتر مربع در اشغال نیروهای عراقی بود. عوارض حساس منطقه، رودخانه کارون و دو جاده اهواز – آبادان و ماهشهر – آبادان بودند و عوارض مصنوعی منطقه نیز بیشتر شامل مواضع و استحکامات دشمن نظیر خاک‌ریزهای متعدد، مواضع تانک، سنگرهای اجتماعی و افرادی می‌شدند. با توجه به اهمیت دو پل (قصبه و حفار) برای دشمن که به منزله معبر و محل اتصال عقبه‌های او در شرق کارون بودند، مواضع و استحکامات فراوان و تعداد زیادی نیروی رزمی در این دو محور وجود داشتند.
روایت‌های خاص و بکر
عملیات ثامن‌الامنه(ع) در طول اجرا و بعد از

پایان موفقیت‌آمیز نسبت به سایر عملیات‌های پیش از زمان خود دارای حوادث خاص و بکری بود که در بعضی منابع روایی این‌گونه روایت شده است:
– سرهنگ ناصر نژاد آذر، از خلبانان هواپیروز نقل می‌کند که قبل از عملیات ثامن‌الامنه(ع) جهت شناسایی روی نیروهای عراقی در غرب کارون پرواز می‌کردم چون زمینه مناسب بود همکاران دیگر را صدا زدم و آتش انبوهی از انواع موشک‌ها را روی نیروهای دشمن ریخته و تلفات و ضایعاتی سنگین را وارد کردیم، در موقعیتی خاص احساس کردم تعداد قابل توجهی عراقی داخل یک سنگ‌سنگ رویاز پناه گرفته‌اند؛ فرود آمدم و با یک اسلحه بوزی به طرف آنها رفتم؛ از ترس اسلحه را زمین گذاشته و دست‌ها را بالا بردند، آنها را سوار بالگرد نموده و به طرف شرق کارون پرواز کردم.

یکی از زیباترین صحنه‌های بعد از عملیات که در نوع خود بی‌نظیر است رژه اسرای عراقی از مقابل امیر سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش بود که با احترامات نظامی به اجرا درآمد.
– پس از مراسم رژه، سرهنگ جوادی فرمانده وقت لشکر ۷۷ در عراق‌ها گرفته شد. به مدت ۲۰ دقیقه به زبان عربی سخنرانی کرد. محتوی کلی سخنرانی که به شکل حماسی بیان شده است، تشریح وضعیت نیروهای اسلامی و ابراز امیدواری برای وحدت مسلمانان جهت مبارزه و جنگ با رژیم اشغالگر قدس بود.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

پایان موفقیت‌آمیز نسبت به سایر عملیات‌های پیش از زمان خود دارای حوادث خاص و بکری بود که در بعضی منابع روایی این‌گونه روایت شده است:
– سرهنگ ناصر نژاد آذر، از خلبانان هواپیروز نقل می‌کند که قبل از عملیات ثامن‌الامنه(ع) جهت شناسایی روی نیروهای عراقی در غرب کارون پرواز می‌کردم چون زمینه مناسب بود همکاران دیگر را صدا زدم و آتش انبوهی از انواع موشک‌ها را روی نیروهای دشمن ریخته و تلفات و ضایعاتی سنگین را وارد کردیم، در موقعیتی خاص احساس کردم تعداد قابل توجهی عراقی داخل یک سنگ‌سنگ رویاز پناه گرفته‌اند؛ فرود آمدم و با یک اسلحه بوزی به طرف آنها رفتم؛ از ترس اسلحه را زمین گذاشته و دست‌ها را بالا بردند، آنها را سوار بالگرد نموده و به طرف شرق کارون پرواز کردم.

یکی از زیباترین صحنه‌های بعد از عملیات که در نوع خود بی‌نظیر است رژه اسرای عراقی از مقابل امیر سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش بود که با احترامات نظامی به اجرا درآمد.

– پس از مراسم رژه، سرهنگ جوادی فرمانده وقت لشکر ۷۷ در عراق‌ها گرفته شد. به مدت ۲۰ دقیقه به زبان عربی سخنرانی کرد. محتوی کلی سخنرانی که به شکل حماسی بیان شده است، تشریح وضعیت نیروهای اسلامی و ابراز امیدواری برای وحدت مسلمانان جهت مبارزه و جنگ با رژیم اشغالگر قدس بود.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

بدین ترتیب، روز اول عملیات در حالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب‌ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها به تارک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و با امکان عقب‌نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود.
در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعدازظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و با عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملاً منطقه سرپل دشمن آزاد شد.
در روز سوم عملیات نیز در پی پاکسازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاکسازی اکثر منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون اسلحه‌را یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی – که درگیر پدافند در منطقه بودند – آزاد و برای عملیات‌های بعدی آماده شدند.

موضوع: شهید محمد جواد بهرامی، راننده شهید محمد برورجری

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)

عزیزالله محمدی (امدادجو)